



انرژی از سر و کولشان بالا می‌رود. هم‌کلاسی‌هایشان می‌گویند: روزی که سر کلاس نباشند، کلاس خشک و بی‌روح است. آن‌ها عمق صمیمیتشان را در پرتحرکی و شیطنتشان می‌دانند و برای ما از خاطرات و شیرین کاری‌هایشان سر کلاس و آزمایشگاه می‌گویند. شب‌نم که ید طولایی در نوشتن نثر ادبی و داستان دارد، مدیر «وبلاگ بیولوژی C8» است و آزاده هم که فوتسال بازی می‌کند، نویسنده‌ی این وبلاگ است. او به تازگی عضو تیم فوتسال ساحلی استان هم شده است. می‌گوید به خواندن وبلاگ‌های ورزشی علاقه‌ای خاص دارد. دو دوست هم‌کلاسی‌ش، شب‌نم دده بیگی و آزاده وفایی، سه سالی می‌شود با هم صمیمی‌اند؛ از همان سال اول دبیرستان. هر دو آن‌ها از دانش‌آموزان نمونه‌ی «دبیرستان نمونه‌ی دولتی حضرت‌معصومه (س)» شهر قم هستند و نزدیک به یک‌سال است که وبلاگ بیولوژی C8 را طراحی کرده‌اند.

این بار به سراغشان آمده‌ایم تا نه به عنوان ورزشکار و داستان‌نویس، بلکه به عنوان وبلاگ‌نویسان موفق و برگزیده‌ی مسابقه‌ی رشد جوان - که در دوره‌ی سال گذشته برگزار شد- با آن‌ها گپ و گفتی داشته باشیم. گفتنی است در این مسابقه، ۵ نفر به عنوان برگزیدگان مسابقه در شماره‌ی یک مجله معرفی شدند.

■ چه شد که تصمیم به طراحی وبلاگ «بیولوژی C8» گرفتید؟

■ شب‌نم: دبیر زیست‌شناسی از ما خواست تا به صورت گروهی یا انفرادی پروژه‌ای برای این درس ارائه بدهیم. بعضی از بچه‌ها تصمیم گرفتند روزنامه‌ی دیواری درست کنند

■ بعضی هم ماکت ارائه دادند. من و آزاده هم تصمیم گرفتیم وبلاگ تخصصی درس زیست‌شناسی را طراحی کنیم. انجام یک کار نو و جدید برای کلاس درس زیست‌شناسی که امکان گسترش بیشتر را هم داشته باشد تا در آینده بتوانیم اطلاعات بیشتری را انتقال بدهیم. نام آن را هم گذاشتیم بیولوژی C8.

■ چرا بیولوژی C8؟

العزله‌ی دپوآر

گزارش: مریم سعیدخواه



گفت و گویا شب‌نم دده بیگی و آزاده وفایی
ر تبه‌ی اول مسابقه‌ی وبلاگ نویسی
مجله‌ی رشد جوان

■ **آزاده:** C8 نام کلاس ما بود؛ یعنی پایه‌ی سوم کلاس هشتم. از طرف دیگر، نام علمی مرغوب‌ترین الماس است.

■ **شما وبلاگ دیگری هم دارید؟**

■ **شب‌نم:** بله، ما قبل از این یک وبلاگ گروهی طراحی کرده‌بودیم که در آن بچه‌های کلاس‌مان بیشتر خاطرات و یادداشت‌هایشان را می‌گذاشتند. خودم هم یک وبلاگ شخصی دارم.

■ **هدف‌تان از ساختن این وبلاگ چه بود؟**

■ **آزاده:** دست و پا کردن یک تنوع در درس‌های روزانه.
■ **شب‌نم:** هدف ما چیزی نیست جز کمک به یادگیری و فهم هرچه بیشتر درس شیرین زیست‌شناسی و توجه هرچه بیشتر و عمیق‌تر به خلقت پرشکوه هستی.

■ **معمولاً مطالب وبلاگ را بر چه اساسی انتخاب و از چه منابعی استفاده می‌کنید؟**

■ **آزاده:** بعضی مطالب درسی در کتاب زیست‌شناسی توضیح داده نشده‌اند. از آن‌جا هم که ما کنجکاویم و پرنرزی، به دنبال کشف این قضایا، به مطالعه‌ی کتاب‌ها، دانش‌نامه‌ها و اطلس‌های موجود در کتاب‌خانه‌ی مدرسه می‌پردازیم. بعد هم با استفاده از مقالات سایت‌های دیگر، اطلاعاتمان را کامل می‌کنیم و روی وب قرار می‌دهیم. وبلاگ ما در واقع دنباله‌ای از مطالب کتاب درسی زیست‌شناسی است.

■ **بیشتر در چه سایت‌هایی به جست‌وجو می‌پردازید؟**

■ **آزاده:** ویکی‌پدیا، رشد، تبیان و سایت‌های معتبر دیگر.

■ **فعالیت‌هایتان را چگونه تقسیم کرده‌اید؟**

■ **شب‌نم:** ما از همان ابتدا کارها را تقسیم کرده‌ایم، اما بیشتر تعاملی کار می‌کنیم. مثلاً انتخاب قالب مناسب، طراحی لوگو، فراهم آوردن امکانات مناسب، ساختن ایمیل، انتخاب نام و رسیدگی به نظرات، از وظایف من که مدیر وبلاگ هستم به شمار می‌رود و به روز کردن مطالب، موضوع‌بندی وبلاگ، و گذاشتن لینک‌ها جزو وظایف آزاده، نویسنده‌ی وبلاگ است.

■ **چرا به تازگی «آپدیت»‌های شما با تأخیر نسبتاً زیادی انجام می‌شود؟**

■ **آزاده:** واقعیت این است که درس‌هایمان از قبل سنگین‌تر شده‌اند و ما زمان کمتری را می‌توانیم به وبلاگمان اختصاص بدهیم. از طرف دیگر، لحظه به

لحظه به کنکور نزدیک‌تر می‌شویم و زمان کمتری داریم تا به کارهای دیگر بپردازیم. این هم بهانه‌ی خوبی است برای این که وبلاگمان دیرتر به روز شود. البته واقعاً بهانه نیست.

■ **فکر می‌کنید داشتن یک وبلاگ علمی چه قدر در به دست آوردن اطلاعات به شما کمک می‌کند؟**

■ **شب‌نم:** خب همان‌طور که از اسم وبلاگمان پیداست، یک وبلاگ علمی است و هدفش بالا بردن سطح علم و دانش ماست.

■ **به خاطر دارید که وبلاگتان روی دیگران تأثیری داشته باشد؟**

■ **شب‌نم:** یکی از دوستانمان با دیدن این وبلاگ تشویق شد تا او هم با همکاری دوستانش وبلاگی درباره‌ی درس شیمی طراحی کند. هم‌کلاسی‌هایمان هم می‌گویند در یادگیری بهتر و فهم بعضی مطالب کمک خوبی به آن‌ها کرده است.

■ **آیا خانواده از این که شما زمانی از وقتتان را صرف وبلاگ می‌کنید، ابراز ناراحتی و نگرانی نمی‌کنند؟**

■ **شب‌نم:** نه، مادرم و پدرم به من روحیه می‌دهند، تشویق می‌کنند تا درباره‌ی بعضی مطالب تحقیق کنم. خواهرم هم که از من بزرگ‌تر است، کمک‌های زیادی به من می‌کند.
■ **آزاده:** خانواده‌ی من اوایل نگران بودند، نکند به درس‌هایم لطمه وارد شود. اما من توانستم با برقراری نظم، ترتیب و برنامه‌ریزی مناسب، این نگرانی را برطرف کنم. همیشه با شنیدن نظراتشان احساس دلگرمی می‌کنم.

■ **آیا پدر و مادرتان هم به وبلاگ شما سر می‌زنند؟**

■ **شب‌نم:** اوایل خیلی به وبلاگ سر می‌زدند. حتی نظرات را هم می‌خواندند و راهنمایی‌های خوبی هم می‌کردند.

■ **روزی چند دقیقه وب‌گردی می‌کنید؟**

■ **آزاده:** خب حالا که دیگر وقتی نداریم. خیلی وقت کنیم، هفته‌ای نیم ساعت. اوایل من خودم یک ساعتی را در روز برای کسب اطلاعات بیشتر در سایت‌ها جست‌وجو می‌کردم، ولی برای وبلاگ‌خوانی بیشتر سراغ وبلاگ‌های ورزشی می‌روم.

■ **فکر می‌کنید اگر انفرادی کار کرده بودید، موفق می‌شدید؟**

■ **آزاده:** نه به این شکل. بعضی وقت‌ها شرایط طوری بود که کم می‌آوردیم. من فقط می‌رسیدم نظرات را ببینم و شب‌نم هم مطالب را به روز می‌کرد.

■ **فکر می‌کنید موفقیتتان در چه بود؟**

■ **شب‌نم:** رمز موفقیت ما در کنجکاو، کار مشارکتی و تعامل و همکاری بود.